

”

گفتنی‌های نویسنده کتاب «کوچ لبخند»

## قمی در قاف



علی قمی کردی، از شهدای هشت سال دفاع مقدس است و بیشترین حضورش در جبهه در منطقه عملیاتی غرب کشور بوده است؛ حسین قزایی، نویسنده کتاب «کوچ لبخند» در مورد او گفتنی‌هایی دارد که در پی می‌آید؛

اعلامیه و نوارهای امام خمینی (ره) همت می‌کند.

قمی بارها هنگام پخش اعلامیه در سطح شهر تحت تعقیب عوامل ساواک قرار می‌گیرد. در تظاهرات و راهپیمایی‌ها حضور فعالی داشت. تا اینکه شب هفدهم ماه مبارک رمضان سال ۱۳۵۷ هنگام تظاهرات در مقابل مسجد لرزاده به دلیل اصابت گلوله‌های عوامل ساواک مجروح می‌شود و همان شب فردی فوراً او را به منزل خود می‌برد و بعد او را به بیمارستان منتقل می‌کند.

علی در روزهای پیروزی انقلاب، دوران نقاهت را در بیمارستان سپری می‌کند و پس از بهبودی به بازار برمی‌گردد. اوایل سال ۱۳۵۸ به دنبال تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به عضویت رسمی سپاه در می‌آید. برای طی دوره آموزش نظامی به پادگان امام حسین (ع) تهران اعزام می‌شود و با موفقیت کامل دوره را به پایان می‌برد و با شوق و شوری وصف ناشدنی برای آموزش نیروها به غرب کشور اعزام می‌شود.

قمی در ابتدا مدتی به کرمانشاه می‌رود. در آنجا به همراه دلاورانی چون کاوه، کاظمی و گنجی‌زاده در پادگان آموزشی شهید منتظری به عنوان مربی آموزشی به آموزش رزمندگان می‌پردازد و پس از مدتی به همراه همین حماسه‌سازان، راهی کردستان می‌شود و در تیپ ویژه مشغول خدمت می‌شود.

قمی در کردستان شیفته شخصیت و منش شهید محمد بروجردی می‌شود. او بیش از هشتاد عملیات در محورهای مختلف کردستان انجام می‌دهد. در آزادسازی جنگل‌های آلودان از دست ضد انقلاب، حماسه می‌آفریند و به افتخار این پیروزی شکوهمند، همراه تعدادی از فرماندهان و رزمندگان به محضر امام (ره) شرفیاب می‌شوند.

در آزادسازی محور پیرانشهر - سردشت و همچنین آزادسازی سد بوکان اقتدار قمی به چشم می‌آید و به دلیل این دلوری‌ها و رشادت‌ها به عنوان «قائم مقام تیپ ویژه شهدا» انتخاب می‌شود. قمی کردی پس از ماه‌ها حضور در کردستان در اسفند ماه ۱۳۶۲ با دختری پاکدامن ازدواج می‌کند و خطبه عقدشان را امام (ره) جاری می‌کنند.

علی قمی کردی پس از انجام موفقیت آمیز عملیات قائم در روز ۱۲ تیر ۱۳۶۳ با خبر می‌شود که ضد انقلاب به محور نقده - مهاباد حمله و چند پاسگاه را تصرف کرده است. بلافاصله با هفتاد تن از نیروهای خبره خود به سه راهی نقده اعزام می‌شود و با ضد انقلاب درگیر می‌شود و به شهادت می‌رسد. پیکر او را طبق وصیت خودش در بهشت زهرا (س) دفن می‌کنند. چند خاطره از این شهید عزیز را که توسط خانواده و همزمان او روایت شده است می‌خوانیم؛

۱۰) بصیر بود و در پیروی از فرامین امام خمینی (ره) سر از پا نمی‌شناخت. قمی در قاف

علی قمی کردی ۲۳ فروردین ماه ۱۳۳۹ ه. ش در شهر قم متولد شد. در سن هفت سالگی راهی مدرسه می‌شود و تا سوم ابتدایی را در قم سپری می‌کند. از آنجا که پدرش روحانی بود، عده‌ای از مردم پیشوا از شیخ عباس قمی کردی درخواست می‌کنند که به پیشوا بیاید. شیخ عباس دعوت مردم این دیار را لبیک می‌گوید و با خانواده‌اش راهی پیشوا می‌شوند.

علی از کلاس چهارم ابتدایی به بعد را در پیشوا می‌گذراند. او در سال ۱۳۵۱ وارد مقطع راهنمایی می‌شود و این دوره را با موفقیت به پایان می‌رساند. پس از دریافت مدرک سوم راهنمایی در سال ۱۳۵۴ به پدرش می‌گویی که می‌خواهد در مغازه حاج حسین فضلی دوست مشغول به کار شود پدرش هم با خواسته او موافقت می‌کند.

حضور علی در بازار تهران باعث می‌شود روحیه انقلابی‌اش روز به روز شعله‌ورتر شود. او در سال‌های نزدیک به انقلاب به پخش

داشت باید او را بین بسیجیان و رزمندگان پیدا می‌کرد.

۳) ذاکر اهل بیت (ع) بود و زیبا و زلال مداحی می‌کرد.

۴) خیلی خنده رو و با نشاط بود و این نشاط مؤمنانه را حفظ می‌کرد.

۵) قبل از انقلاب مجروح شده بود و در واقع جانباز انقلاب بود.

۶) روحیه استقامت بالایی داشت. در نبردهای مسلحانه با ضد انقلاب و کومله و دموکرات میدان را خالی نمی‌کرد.

۷) در تمام عملیات، شهید کاوه نسبت به او خاطر جمع بود و مطمئن بود که شهید قمی دقیقاً همان تدبیر او را در میدان نبرد به کار می‌برد.

۸) در عملیات سرنوشت‌ساز آلودان، یعنی پاکسازی جاده و جنگل‌های محور پیرانشهر - سردشت، نقش کلیدی و بسیار مؤثری داشت و بعد از شهادت ناصر کاظمی و محمد علی گنجی‌زاده، در کنار شهید کاوه، شجاعت و رشادت فوق‌العاده‌ای از خود نشان داد.

۹) او بشدت تحت تأثیر شخصیت و منش «شهید محمد بروجردی» بود و در واقع مرید ایشان بود.

علی قمی کردی برای من یعنی یک لبخند تمام‌عیار که در قاف زندگی‌ام جا گرفته است. همیشه و هرگاه اسم قمی را می‌شنوم لبخندش در ذهنم تداعی می‌شود. لبخند بر سختی‌ها و مصایب. علی قمی یعنی ملایمت، خوشرویی، اقتدار، حماسه، شوریدگی، شعف، حجب، حیا، جاذبه و همه این خوبی‌ها را از پدری آموخته که خودش در این میدان‌ها الگوست.

شهدای کردستان از غربت خاصی برخوردارند. برای خیلی از آنها هنوز کتابی نگاشته نشده است. بنده در کتاب «کوچ لبخند»، قصد داشتم گوشه‌ای از خاطرات معطر علی قمی را به تصویر بکشم و از این رهگذر به اندازه وسع خویش غبارزدایی کنم. وقتی در جست‌وجوی علی قمی در پیشوا، همدان، مشهد و شهرهای دیگر بودم تحقیقاً بین دوستان و خانواده شهید این ویژگی‌ها از این سوژه الهی مشترک بود:

۱) شخصیت او اول معنوی بعد نظامی بود. در حقیقت همه ویژگی‌های او تحت الشعاع معنویتش بود.

۲) ارتباطش با نیروهای تیپ ویژه شهدا بسیار صمیمی بود و هرگاه کسی با او کاری